



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدین حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. اخلاق؛ مکارم اخلاق؛ نیکی با پدر و مادر و خویشاوندان
۲. احکام؛ نماز؛ نماز قضاء
۳. احکام؛ روزه و اعتکاف

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: صالح پارسا

تاریخ: ۱۳۹۵/۹/۲۵

می‌گویند نماز و روزهی قضای پدر و مادر بعد از فوتشان بر عهدهی فرزند است. حتی عده‌ای مبلغی به شخصی می‌دهند تا به جایشان نماز و روزهی قضای والدینشان را ادا کند. آیا در اسلام چنین کاری صحیح است که فرزند باید اعمال قضای والدین را به جا بیاورد؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۵/۱۰/۱

قول مشهور در میان برخی مذاهب اسلامی، وجوب قضاء نماز و روزهی فوت شده از پدر بر پسر بزرگ‌تر است و این قولی است که بر خلاف اصل و بر خلاف کتاب خداوند است؛ چراکه اصل براءت ذمه‌ی پسر بزرگ‌تر از چنین واجبی است تا آن گاه که با دلیلی قطعی ثابت شود، در حالی که دلیلی قطعی برای آن موجود نیست و روایات رسیده درباره‌ی آن ظنی هستند و صراحتی در وجوب ندارند و کتاب خداوند با صراحت فرموده است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ»^۱؛ «هر کس کار خوبی کند برای خودش است و هر کس بد کند بر عهدهی خودش است، سپس به سوی پروردگارتان باز می‌گردید» و فرموده است: «لَا يَكُلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ»^۲؛ «خداوند کسی را جز به اندازه‌ی وسعش تکلیف نمی‌کند، برای او چیزی است که کسب کرده و بر عهده‌ی او چیزی است که کسب کرده» و فرموده است: «وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ»^۳؛ «و هیچ کس چیزی کسب نمی‌کند مگر بر عهده‌ی خودش و هیچ کس بار دیگری را بر دوش نمی‌گیرد»؛ بلکه با صراحت بیشتری فرموده است: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قَرْبَىٰ»^۴؛

۱. الجاثیة / ۱۵

۲. البقرة / ۲۸۶

۳. الأنعام / ۱۶۴

۴. فاطر / ۱۸

«و هیچ کس بار دیگری را بر دوش نمی گیرد و اگر گران باری دیگری را به برداشتن آن فرا خواند چیزی از آن را بر نمی دارد اگر چه از نزدیکان باشد» و فرموده است: **«تِلْكَ أُمَةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ»**^۱؛ «اینان گروهی بودند که درگذشتند، برای آنان چیزی است که کسب کردند و برای شما چیزی است که کسب کردید و شما از کاری که آنان می کردند بازخواست نمی شوید» و این به منزله‌ی نص است و با این وصف، قضاء نماز و روزه‌ی فوت شده از پدر بر عهده‌ی خود اوست و پسر بزرگ‌ترش بار آن را بر دوش نمی گیرد و از آن بازخواست نمی شود و از همین رو، خداوند به مردم هشدار داده و فرموده است: **«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَأَحْسُوا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَارٌ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا»**^۲؛ «ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید و از روزی بترسید که هیچ پدری به جای پسرش کفایت نمی کند و هیچ پسری به جای پدرش کفایت کننده نیست» و فرموده است: **«يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ۖ وَأُمُّهُ وَأَبِيهِ ۖ وَصَاحِبَتُهُ وَبَنِيهِ ۖ لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ»**^۳؛ «روزی که انسان از برادرش می گریزد و از مادرش و پدرش و از همسرش و فرزندانش، برای هر یک از آنان در آن روز کاری است که او را مشغول می سازد»!

با این حال، برای فرزندان میت خصوصاً پسر بزرگ‌ترش مستحب مؤکد است که از باب احسان به والدین، نماز، روزه و سایر عبادات واجب فوت شده از او در زمان بیماری یا فراموشی یا سفر یا حتی نافرمانی اش را به جای آورند و این مراد از روایات رسیده در این باب است؛ چراکه این روایات به دلیل منافات‌شان با کتاب خداوند، قابل حمل بر وجوب نیستند، ولی قابل حمل بر استحباب مؤکد هستند؛ با توجه به اینکه اهداء عبادات به اموات با اختیار خود اشکالی ندارد و رسیدن آن به آنان از قدرت و رحمت خداوند بعید نیست و در کتاب خداوند آمده است: **«وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»**^۴؛ «و اینکه برای انسان جز چیزی که سعی کرده است نیست» و فرزندان انسان از چیزی هستند که سعی کرده است؛ چراکه آنان را تولید و تربیت کرده است و با این وصف، عبادات‌شان از جانب او پس از مرگش می تواند به او برسد؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: إِنَّ أَبِي مَاتَ وَعَلَيْهِ صَلَاةٌ كَثِيرَةٌ وَأَنَا ابْنُهُ الْأَكْبَرُ فَمَآذَا تَأْمُرُنِي أَنْ أَعْمَلَ؟ قَالَ: إِقْضِ عَنْهُ وَلَا تَقْضِي عَنْهُ تَقُولُ إِنَّ ذَلِكَ وَاجِبٌ عَلَيْكَ وَلَكِنْ تَقْضِي عَنْهُ بَرًّا وَإِحْسَانًا فَإِنَّ ذَلِكَ يَنْفَعُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، قُلْتُ: كَيْفَ يَنْفَعُهُ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»!؟ قَالَ: وَهَلْ أَنْتَ إِلَّا مِنْ سَعْيِ أَبِيكَ؟!»^۵؛ «به منصور گفتم: پدرم از دنیا رفت در حالی که بر او نماز بسیاری بود و من پسر بزرگ‌تر او هستم،

۱. البقرة / ۱۳۴

۲. لقمان / ۳۳

۳. عبس / ۳۴-۳۷

۴. النجم / ۳۹

۵. النجم / ۳۹

۶. گفتار ۱۰۳، فقره ۱



و فرموده است: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفَصَّالَهُ فِي غَامٍ إِنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ»^۱؛ «و انسان را به والدینش سفارش کردیم، مادرش او را با ناتوانی بر روی ناتوانی حمل کرد و از شیر گرفتنش در دو سال است که شکر من و والدینت را به جای آور، بازگشت به سوی من است» و با این وصف، بایسته است که فرزندان بر والدین درگذشته‌ی خود رحم کنند و هرگاه برایشان عسر و حرجی ندارد، نماز، روزه و سایر عبادات واجب فوت شده از آن دو را -با اینکه بر عهده‌ی شان نیست- از جانب آن دو به جای آورند، تا احسانی در حق آن دو و تشکری بابت رنج‌هاشان باشد؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَمُوتُ وَالِدَاهُ وَعَلَيْهِمَا صَلَاةٌ أَوْ صَوْمٌ فَلَا يَقْضِي عَنْهُمَا، قَالَ: مَا يَمْنَعُهُ أَنْ يَقْضِيَ عَنْهُمَا؟! أَلَا يَخَافُ أَنْ يَكُونَ عَاقِبًا؟! قُلْتُ: إِنَّهُ يَحْسَبُ أَنَّ ذَلِكَ لَا يَنْفَعُهُمَا! قَالَ: لَا يَحْسَبَنَّ يَدَ اللَّهِ مَغْلُولَةً، بَلْ يَنْفَعُهُمَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ يَنْفَعُهُمَا فَسَوْفَ يَنْفَعُ نَفْسَهُ»^۲؛ «از آن جناب درباره‌ی مردی پرسیدم که پدر و مادرش می‌میرند در حالی که بر عهده‌ی آن دو نمازی یا روزه‌ای است، پس از جانب آن دو قضا نمی‌کند، فرمود: چه چیزی او را باز می‌دارد از اینکه از جانب آن دو قضا کند؟! آیا نمی‌ترسد که عاق (یعنی منفور پدر و مادرش) باشد؟! گفتم: می‌پندارد که این کار به آن دو سود نمی‌رساند! فرمود: زنه‌ار دست خداوند را بسته نپندارد، بلکه اگر خداوند بخواهد به آن دو سود می‌رساند و اگر به آن دو سود نرساند، پس به خود او سود خواهد رساند!».

حاصل آنکه قضاء نماز و روزه‌ی فوت شده از میت، برای فرزندان او مستحب مؤکد است و این «حکم اولی» محسوب می‌شود، مگر اینکه ترک آن استخفاف به حق یا وصیت او محسوب شود که در این صورت واجب است و این «حکم ثانوی» محسوب می‌شود؛ چراکه استخفاف به حق یا وصیت والدین جایز نیست، اگرچه با ترک کاری غیر واجب باشد، ولی وکیل یا اجیر کردن دیگری برای این کار صحیح نیست و تبعاً پول عاید از آن برای وکیل و اجیر حرام است.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب شاهنشاهی خراسانی
مجلس استفتائات و پاسخ‌گویی



۱. لقمان/ ۱۴
۲. گفتار ۱۰۳، فقره ۲

www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب شاهنشاهی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.